



زلفت مژگان دل به یکی تار مو ببست...

دکتر آناهیتا چشم‌انداز



سرشناسه	چشمه‌علایی، آناهیتا، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	زلفت هزار دل به یکی تار مو بیست... / آناهیتا چشمه‌علایی.
مشخصات نشر	تهران: آناهیتا چشمه‌علایی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۹۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	978-600-04-8143-8
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رצוע	Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	PIR ۸۳۴۰ ۱۳۹۷ ۸:ش /
رده بندی دربی	فا ۶۲/۳۸
شماره کتابخانه ملی	۵۱۲۷۱۲

زلفت هزار دل به یکی تار مو بیست...

نویسنده: آناهیتا چشمه‌علایی

ناشر: موب...

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

سال چاپ ۱۳۹۷

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	فصل ۱
۲۳	فصل ۲
۲۹	فصل ۳
۴۱	فصل ۴
۴۷	فصل ۵
۵۳	فصل ۶
۶۳	فصل ۷
۶۷	فصل ۸
۷۱	فصل ۹
۷۹	فصل ۱۰
۸۷	فصل ۱۱
۱۰۱	فصل ۱۲
۱۱۵	فصل ۱۳
۱۲۳	فصل ۱۴
۱۳۱	فصل ۱۵
۱۳۷	فصل ۱۶
۱۴۳	فصل ۱۷
۱۵۰	فصل ۱۸
۱۵۹	فصل ۱۹
۱۶۹	فصل ۲۰
۱۷۹	فصل ۲۱
۱۸۵	فصل ۲۲
۱۹۱	فصل ۲۳

٢٠٣.....	فصل ٢٤
٢١٣.....	فصل ٢٥
٢٢٣.....	فصل ٢٦
٢٣١.....	فصل ٢٧
٢٣٩.....	فصل ٢٨
٢٥١.....	فصل ٢٩
٢٥٥.....	فصل ٣٠
٢٦٥.....	فصل ٣١
٢٦٩.....	فصل ٣٢
٢٧٥.....	فصل ٣٣
٢٨٥.....	فصل ٣٤
٢٩١.....	فصل ٣٥

پیشگفتار

تا به حال هفت کتاب نوشته‌ام.

۱. کتاب ازدواج مثل آب خوردن آسان است!
۲. مرد، زن، پول: راهنمای گام‌به‌گام مدیریت مالی خانواده
۳. زندگی مثل عسل: رازهای شریرداری موفق برای خانم‌های شاغل
۴. نکات طلایی خانه‌داری
۵. پاکسازی روح
۶. الفبای هدفگذاری و مدیریت زمان
۷. کاش قبل از مادرناتنی شدن می‌دانستم

هفت کتاب قبلی من، غیرداستانی است، ولی این کتاب داستانی و تخیلی است.

- شهری به نام هورماش وجود ندارد، اگر وجود دارد، من از وجود آن بی‌خبر هستم.

- من به عنوان پزشک عمومی، در مناطق محروم طرح نگذراندم، چون بلافاصله وارد دوره تخصص پزشکی شدم.

- من در ۲۵ سالگی به هند رفتم. مسیر بمبئی - چنای - رانی - آگرا را در یک سفر طی نکرده‌ام.

- بهرروز و بهمان دو شخصیت تخیلی هستند و هرگز در زندگی من نبود داشته‌اند.

عاشق داستان هستم. اولین کتابی که در عمرم مطالعه کردم، داستان‌های هزار یک‌شب بود. در عالم بچگی، فکر می‌کردم هر شب، همراه با خلیفه پایین پای شهرزاد قصه‌گو می‌نویسم. شهرزاد، قصه می‌بافد. او می‌گوید و می‌گوید و مرا دنیای تخیلی حن‌پری می‌کشاند. همیشه دوست داشتم کتاب داستان بنویسم، ولی نمی‌دانستم از کجا آغاز کنم. پشت سر هم کتاب‌های غیرداستانی نوشتم. تا روزی با ماراتون نوشتن کتاب ۵۰۰۰۰ کلمه‌ای در ۳۰ روز آشنا شدم. هر سال در ماه نوامبر، نویسندگان زیادی در این

ماراتون هیجان انگیز شرکت می کنند. من تصمیم گرفتم شانس خود را امتحان کنم و نوشتن اولین داستان طولانی خود را آغاز کردم. شگفتا که این داستان خودبه خود نوشته شد. انگار جایی منتظر نشسته بود تا نویسنده‌ای آن را روی کاغذ پیاده کند.

از نوشتن این کتاب و غوطه خوردن در تخیلات شیرین، بسیار لذت برده‌ام. نوشتن این کتاب به دلیل خیالی بودن آن بود. کاش می در ۲۸ سالگی، مثل شیدا بودم، ولی نبودم... کاش در ۲۵ سالگی تصمیم می گرفتم ازدواج کنم و عازم سفر می شدم، ولی چنین کاری نکردم. کاش در ۲۵ سالگی با مرد رویاهایم آشنا می شدم، ولی آشنا نشدم. این داستان، ناطره نگاری نیست و کاملاً خیالی است. هیچ یک از شخصیت‌های این کتاب، واقعی نیستند و هر نوع شباهتی بین نام‌ها و شخصیت‌ها تصادفی است. امیدوارم از خواندن این داستان، لذت ببرید.

دوستتون دارم، دکتر آناهید، پشته علایی
(با نام نویسندگی گیسو کلابتون)